|  |
| --- |
| **خسارت جبران ناپذیر تخریب زیارتگاه بقیع** |
| |  | | --- | | تشکیلات حجتیه  **حفظ اماکن مقدس علاوه بر آن که از جنبه تعظیم شعائر شرعاً لازم است و صرف نظر از هتک و توهین، موجب تزلزل و سستی مبانی تاریخ می‎شود.** | |
| آیت الله صافی گلپایگانی در یادداشتی با عنوان «تخریب آثار اسلامی، خسارتی جبران ناپذیر» که بمناسبت هشتم شوّال، روز جهانی بقیع نگاشته شده، یادآور شده است: بقیع، از چهارده قرن پیش تا امروز همواره زیارتگاه مسلمین و مرکز بیداری و تذکار خاطرات رجال و شخصیّت‌های بزرگ اسلام بوده است. این قبرستان، پس از روضه مقدّسه نبویّه، یکی از منابع مهمّ تاریخ اسلام است که وجود شخصیت‌های تاریخی اسلامی را اثبات و تأیید می‎نماید که در حدود ده هزار نفر از صحابه نبیّ مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله در این قبرستان مدفون می‎باشند. امّا با این همه عظمت برای این مکان مقدّس، وضع کنونی آن در حال حاضر بسیار موهن است و اهانتی که به رجال و شخصیت‌هایی که در این گورستان مدفونند شده، فوق العاده تأسّف آور و رقّت انگیز است. تقریباً جز اقلیت غیر قابل توجهی به اسم وهّابی ها که در سایه حمایت استعمارگرانی همچون انگلیس عرض وجود نموده و موجودیت دارند و گروهی از مردم غافل از حقایق جریان‌ها و دخالت سیاست در امور که فریب تبلیغات عوام فریبانه آنها را خورده‎اند، اکثریت مسلمانان از این استخفاف و اهانت سخت ناراحت و آزرده خاطرند. در هیچ کجای دنیا نسبت به قبور بزرگان خود این همه بی‎ادبی و بی‎احترامی روا نمی‎دارند و در هر کجا دفن اموات مرسوم است، قبور اموات و مقبره آنها نیز محترم است. اساس نقشه تخریب آثار و ابنیه اسلامی نقشه بسیار عمیق و خائنانه‎ای بود که بیگانگان برای محو مستندات و شواهد عینی و اثری تاریخ اسلام کشیده بودند و در موقعی که برای تسلّط بر کشورهای اسلامی دست به تفرقه و فرقه سازی بودند، مثلاً علی محمد شیرازی و حسینعلی نوری را در ایران به ادّعای بابیت و مهدویت و نبوّت و بلکه الوهیت برانگیختند و در هند غلام احمد قادیانی به اصطلاح فرقه مزدور احمدیه را ساخت، در عربستان نیز فرقه وهابی را وسیله دست ساختند و محمدبن عبدالوهاب را به مزدوری گرفتند و مهمترین مقصد آنها علاوه بر غارت معادن بزرگ نفت، از میان بردن آثار اسلامی بود که حتّی روضه مقدّسه پیغمبر صلی‎الله علیه وآله را نیز فرا گرفت. شاید تا قبل از قرن معاصر و قریب به آن، عمده منابع تاریخ و مصدر آن، کتاب‌ها و نوشته‎هایی بود که بر اساس نقلیات مسند و غیر مسند و مطالعات گسترده آنها در کتاب‌های متعدّد تدوین شده بود و شناخت مطالب معتبر آنها از غیر معتبر هم کار همه کس نیست و اهل فن و افراد بصیر به تاریخ و مسائل مربوط به آن می‎توانند در مواردی که اختلاف نقل باشد با تحقیق و بررسی اظهار نظر نمایند. با کاوش‌ها و فحص‎هایی که علمای باستان شناس از مدّتی قبل آغاز کرده و روز به روز بر تکامل آن افزوده، منبع مهمّ دیگری نیز بر منابع تاریخی و شناخت ملل افزوده شد که اگر چه در گذشته هم این منبع مورد توجّه بود، لیکن عمق وسعت فعلی را نداشت و در عصر ما یکی از منابع مهم تاریخ و شناخت احوال اقوام و ملل آثاری است که از آنها باقی مانده و حتّی با حفریات کشف می‎شود؛ بناها، معابد، قبرها، سکّه‎ها، ظرف‌ها، زیورها و آثار هنری و چیزهای دیگر امروز از بزرگترین معرّف های تمدّن و اوضاع و احوال اجتماعی ملل است. خوشبختانه تاریخ اسلام از جنبه تاریخی بر اساس نقل‌ها و روایات بسیار مورد اعتبار و اعتماد است و از همان صدر اسلام، تاریخ نویسی و نقل حدیث و روایت جریان‌های مختلف شروع و حوادث و وقایع ثبت و ضبط گردیده و فترت‌های طولانی که موجب فراموش شدن تاریخ شود در تاریخ اسلام پیش نیامده و همچنین وقایعی که موجب محو کتاب‌های تاریخی و ایجاد فاصله گردد اتفاق نیفتاده و سیر تاریخ اسلام از تمام ابعاد، مشخص و معلوم است و استنتاج و استنباط تاریخی بر اساس مطالعات روی تواریخ و احادیث کاملاً باور بخش و اطمینان آور است و به طور مسلّم آن بخش از تاریخ ما که مثلاً به یک قرن پیش مربوط می‎شود با بخشی که به سیزده و چهارده قرن پیش ارتباط دارد، در اتقان و استحکام تفاوت ندارد بلکه گاهی بخش دوم از اول بیشتر مورد اعتماد است و مستندات آن قوی‌تر است و خلاصه اشخاص متخصص و دانشمند می‎توانند به وسیله همین تواریخ به اوضاع و احوال اجتماعی مردم در این چهارده قرن و حقایق و وقایع مهمّی که در سرنوشت این امّت تأثیر داشته است واقف شوند، و در حقیقت اگر بنا باشد امروز هم برای قرن حاضر تاریخی بنویسیم، از حدود همان تاریخ نویسی مورّخین اسلامی تجاوز نمی‎کند. از جنبه مؤیدات و شواهد خارجی و عینی و آثار باقیمانده از حوادث نیز تاریخ اسلام غنیّ و کامل و دارای پشتوانه‎های بسیار محکم است و از این جهت هم هر چه شخص دیر باور باشد و یا نخواهد از روی غرض بعض حقایق را انکار کند یا شبهه و شکّ در آن ایجاد نماید، در تاریخ اسلام بالخصوص بخش‌هایی از آن که با معرّفی اصل رسالت و واقعه ظهور و انقلاب اسلام و سیره پیغمبر اکرم صلی‎الله علیه وآله و امور مهمّ دیگر ارتباط دارد اینگونه اظهار شک و تردیدها قابل قبول و مورد اعتنا نیست. اگر چه تاریخ اسلام و مسلمین معتبرترین تاریخ تمام ادیان و جوامع بشری است و بلکه به شهادت بعض مورخین یگانه دینی که تاریخ معتبر و مورد اعتماد دارد اسلام است از ناحیه این شواهد تاریخی و مؤیدات که مخصوصاً برای دراز مدت و آینده‎های بسیار دور حفظ آنها مفید است، بسیار غنی و سرشار از شواهد خارجی و عینی است یعنی همه نقاط مهم تاریخ اسلام و مسلمانان را مشاهد و مواقف و ابنیه و قبور و مساجد و اوضاع جغرافیائی ممالک و کشورها تأیید می‎کند و در کشورهای پهناور عالم اسلام همه جا آثار تمدّن مسلمین و فتوحات آنها به چشم می‎خورد حتّی در کشورهایی مثل اسپانیا که پس از آن عصر طلائی اسلامی به آن سرنوشت اسفناک و بی‎رحمی‌ها و وحشی‎گری‌های مسیحی‎ها و محاکم تفتیش کذائی و شکنجه و اعدام‌های دسته جمعی و جنایات دیگر دچار شد، امروز آثار اسلامی تمدن مسلمین را در آنجا به جهانیان عرضه می‎دارند که اگر به کتاب‌هایی مثل (الآثار الاندلسیّة الباقیة) مراجعه فرمائید به عمق این مطالب تا حدی آگاه می‎شوید و بخش عمده‎ای از بودجه کلان اسپانیا از عوائدی که از راه توریستی و کسانی که از اطراف جهان برای مشاهده آثار عصور اسلامی به این کشور سفر می‎نمایند تأمین می‎شود. مکّه مکرّمه و مدینه منوّره از این جهت که گفته شد بیشتر از هر نقطه اهمیت و موقعیت دارد و آثار و ابنیه این دو شهر و نواحی آن همه از مصادر تاریخ ما و بلکه ادیان به اصطلاح ابراهیمی است و اگر این دو شهر را علاوه بر جنبه‎های روحانی و معنوی موزه بزرگ عالم اسلام و وحی بدانیم گزاف نگفته‎ایم. در این دو شهر تا قبل از تخریب‌های پی‎درپی وهابی‎ها مشاهدی موجود بوده که هر یک گوشه‎ای و ناحیه‎ای از تاریخ پیامبر بزرگ اسلام را بازگو می‎نمود و آثار ارزنده‎ای از تاریخ زندگی و تلاش‌های آن حضرت در راه ابلاغ وحی و رسالت اسلام بود. مشاهدی که همه در سلسله اسناد تاریخی اسلام و سوابق حرمین شریفین قرار دارد و معرّف سلسله نسب پیغمبر صلی‎الله علیه وآله بوده و حتّی از اوضاع دوران جاهلیت، ما را با خبر می‎سازد. و خلاصه تمام مسجد مدینه و مسجد الحرام و تمام شهر مدینه و مکه و بقعه‎ها و اماکن و مساجد و حتی چشمه‎ها، چاه‌ها، راه‌ها، کوه‌ها و سرزمین‌ها و قراء واقع در اطراف و نواحی این دو شهر همه از سر گذشت اسلام و چگونگی ظهور و سیر آن حکایت می‎کند و مسلمانان که به حفظ تاریخ و شرف و سوابق درخشان خود و احیای آثار اسلامی علاقه دارند، باید همگان در حفظ این آثار و بازسازی آنچه ویران شده اقدام نمایند و حرمین را از دستبرد استعمار و تصرّفات ویرانگرانه آنها خارج نمایند. این آثار و نشانه‎ها و بناها بهتر از کتب سیره، مردم را با سیره پیغمبر صلی‎الله علیه وآله آشنا می‎سازند. کتاب‌های سیره فقط به نظر اهل مطالعه می‎رسد در حالی که این آثار را عموم مردم که از دور و نزدیک می‎آیند مشاهده می‎نمایند و از آن برکت‌ها و درس‌های بزرگ می‎گیرند. به نظر حقیر، حتی باید نام‌های اصلی کل اماکن و زمین‌هایی که در عصر رسالت و در لسان روایات مذکور است حفظ شود و بالخصوص نام‌های متعلق به مسجد النبی و مسجد الحرام و در‌ها و ستون‌ها و سایر متعلقات آن نباید تغییر کند، زیرا همه اینها محفظه تاریخ اسلام است و کسانی که این ویرانگری‌ها را مرتکب شده‎اند بزرگترین دشمنی و خیانت را به تاریخ اسلام نموده‎اند. حفظ این اماکن علاوه بر آن که از جنبه تعظیم شعائر شرعاً لازم است به ملاحظاتی که بیان شد نیز لازم است و تخریب این بقاع، صرف نظر از هتک و توهین، موجب تزلزل و سستی مبانی تاریخ می‎شود و تخریب این مشاهد و آنها را به این صورت در آوردن که نه سنگ قبری داشته باشند و نه امتیازی و در معرض محو و فراموشی قرار بگیرند از سوزاندن کتب تاریخ، خسارتش برای یک امّت و ملّت اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. |